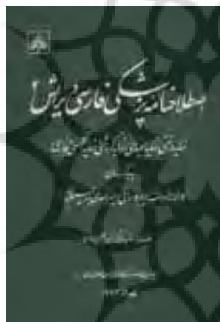


# نقد و بررسی اصطلاحنامه پزشکی فارسی کتاب برگزیده سال ۱۳۸۵

محورهای بحث نشست:

۱. نقش اصطلاحنامه در سازماندهی اطلاعات پزشکی
۲. مسائل و مشکلات در سازماندهی اطلاعات فارسی
۳. مشکلات اصطلاحنامه‌سازی در ایران
۴. معیارهای انتخاب اصطلاحنامه پزشکی فارسی به‌عنوان کتاب سال
۵. نقاط قوت اصطلاحنامه پزشکی فارسی برای انتخاب به‌عنوان کتاب سال
۶. آینده اصطلاحنامه پزشکی فارسی



رهادوست، فاطمه؛ کازرانی، مریم؛ ابراهیم‌پور، میرمهدی. اصطلاحنامه پزشکی فارسی: نمایه درختی، نمایه الفبایی، نمایه گردشی و نمایه انگلیسی به فارسی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۲، جلد، ۱۳۸۴.

حاجی‌زین‌العابدینی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. ن و القلم و ما یسطرون. خدمت استادان ارجمند سلام عرض می‌کنم و از حضورتان سپاسگزارم. این نشست به‌مناسبت انتخاب کتاب اصطلاحنامه پزشکی فارسی به‌عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۵ برگزار می‌شود تا درباره این انتخاب و نیز خود کتاب نظرات استادان و دست‌اندرکاران مطرح شود و چالش‌ها و دیدگاه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، برای تجربه‌های بعدی مطرح و ثبت شود. قبل از شروع بحث از خانم رهادوست و همکارانشان خواهش می‌کنم توضیحاتی درباره کتاب و روند تهیه آن بیان کنند.

رهادوست: توضیحات اصلی درباره اصول و چگونگی کار، در مقدمه ویرایش یک به‌صورت مفصل آمده است. این کار از ۱۳۸۱ شروع شد و طی قراردادی که با کتابخانه ملی بستیم، این کار تا پایان ۱۳۸۳، به طول انجامید. نرم‌افزار آن، همان نرم‌افزار استفاده شده در کار اول است که آقای مهندس ابراهیم‌پور تهیه کردند. از آنجا که از قبل با

حاضران در جلسه:

محسن حاجی‌زین‌العابدینی

دبیر جلسه



فاطمه رهادوست

مجری طرح و ویراستار اصطلاحنامه پزشکی فارسی



مریم کازرانی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و همکار اصلی در تهیه اصطلاحنامه پزشکی فارسی



دکتر عباس حرّی

استاد دانشگاه تهران



دکتر فریبرز خسروی

معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و فناوری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و ناظر طرح



سید ابراهیم عمرانی

رئیس کتابخانه دانشکده علوم دانشگاه تهران



آنسه حسینی‌زاده

همکار در تهیه اصطلاحنامه پزشکی فارسی



زهرا ده‌سرای

کارشناس پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران



سید کاظم حافظیان رضوی

نماینده داوران کتاب سال





رهادوست:

**هنگامی که اصطلاحنامه پزشکی فارسی کتاب سال شد، امیدوار بودم مخاطبان اصلی ما با کار و مقوله اصطلاح سازی آشنا شوند**

وضع نرم افزار آشنا بودیم، و نرم افزاری بهتر از این هم در دسترس نبود، ترجیح دادیم با همین نرم افزار کار کنیم. همکار اصلی من خانم کازرانی بود که با نگرانی‌ها و مشکلات زیادی در این طرح روبه‌رو بودیم. شاید جای آن نباشد که به تفصیل درباره همه جزئیات و مشکلات کار صحبت شود. چون نتیجه مفیدی از این مباحث نمی‌توانیم بگیریم. آنچه یادآوری‌اش مهم است، این است که زمانی که ما کار می‌کردیم، شاهد آن بودیم که کار قبلی مان ارائه و معرفی نشده بود و چون در زمانی کمتر از یک ماه نایاب شده بود و از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱ که ما کار را شروع کردیم، دسترسی به آن امکان‌پذیر نبود، هیچ چیزی جز آن اراده و اعتقادی که به اهمیت کار داشتیم، پشتیبان ما نبود. قرارداد بسیار ساده‌ای بسته بودیم و پشتوانه ما، اعتقاد به اهمیت کار بود. به هر حال بسیاری از کارهایی که می‌بایست به شکل نهادی صورت گیرد، از جمله انتخاب متخصصان علوم پزشکی و تماس برای مشاوره با متخصصان و جست‌وجوی منابع، به صورت شفاهی و با کسب اطلاع از متخصصان و دوستان و آشنایان صورت می‌گرفت که بسیار توان‌فرسا و زمان‌بر بود. به خصوص اینکه هریک از آنها زبان ویژه‌ای داشتند و یکدستی وجود نداشت. این از مشکلات کار ما بود که با تک‌تک آنها بتوانیم به گونه‌ای ارتباط برقرار کنیم که آنها کار را درست انجام دهند. در این مدت اتفاقاتی که بین ویراست یک و دو افتاد، چه به لحاظ تجربه و دانشی که خودمان پیدا کرده بودیم، چه به لحاظ تغییر شرایطی که در فاصله ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ رخ داده بود، باعث شد نگاهمان به اصطلاحنامه، متفاوت باشد و با نگاه پخته‌تری به کار نگاه کنیم. وضع به گونه‌ای بود که اعتماد به نفسمان در انجام کار نسبت به نمونه قبلی خیلی بیشتر شده بود. خود من در مقدمه کار، اعلام کردم که نگاه ما بیشتر متوجه متخصصان بوده تا کتابداران. چون فکر می‌کنم مخاطبان اصطلاحنامه همیشه کتابداران نیستند و خیلی دلم می‌خواست کتاب به گونه‌ای باشد که پیام به مخاطب اصلی یعنی جامعه پزشکی، منتقل شود. هنگامی که اصطلاحنامه پزشکی فارسی کتاب سال شد، امیدوار بودم مخاطبان اصلی ما با کار و مقوله اصطلاح سازی آشنا شوند.

مریم کازرانی: این کار، چه در ویرایش اول، چه در ویرایش دوم، یکی از بهترین تجربه‌های من در کارهای تحقیقاتی بود. از خانم رهادوست، مجری طرح، چیزهای زیادی آموختم. وظیفه خود می‌دانم که از ایشان تشکر کنم. بر اساس تجربه‌ای که در ویرایش دوم داشتیم، می‌توانم بگویم کار دوم انسجام بیشتری دارد. زیرا در ویرایش اول اصطلاحنامه پزشکی تغییراتی در ساختار مش‌اعمال کردیم و سرشاخه‌ها کوچک‌تر شد. به همین دلیل با متخصصات موضوعی برای جدا کردن مقوله‌های موضوعی و تعیین شاخه‌ها مشکلاتی داشتیم. ولی در ویرایش دوم با اینکه حجم واژگان و حجم کار بیشتر شده بود، به دلیل مدیریت خوب و علاقه و انگیزه زیاد و جدیت در کار، این مشکلات برطرف شده بود. من بسیار خوشحالم که بالاخره پس از سال‌ها سکوت و بی‌توجهی، یک مؤسسه ارزش کار ما را دریافته است و من به نوبه خود از حسن نظر آنها سپاسگزارم.

حسینی‌زاده: من فکر می‌کنم، ویرایش اول این اصطلاحنامه آنگونه که بایسته بود، معرفی نشد. در ویرایش دوم، وظیفه من گردآوری اطلاعات با توجه به پشتوانه انتشاراتی بود و با اصطلاحنامه «مش» کار می‌کردم. در این کار از تجربه‌های خانم رهادوست بسیار استفاده کردم و قبل از تهیه ویرایش دوم اصطلاحنامه، از تلاش‌هایی که برای تهیه سرعنوان موضوعی پزشکی فارسی و ویرایش اول اصطلاحنامه پزشکی صورت گرفته بود، آگاه بودیم.

حاجی‌زین‌العابدینی: از آقای دکتر عباس حزی می‌خواهم درباره نقش و اهمیت اصطلاحنامه در کتابداری توضیح دهند.

دکتر حزی: سؤالی ذهن مرا مشغول کرده است و آن این است که اگر این کتاب برنده نمی‌شد، آیا باز هم می‌گردی برای بررسی آن برگزار می‌شد؟ آیا باید افراد خارج از حوزه کتابداری ما را از اتفاقات حوزه کتابداری با خبر کنند؟ به نظر من ما خودمان باید نسبت به این موارد شناخت داشته باشیم. خانم رهادوست گزارش مختصری از کارشان ارائه کردند. ولی من فکر می‌کنم تاریخ شروع چنین کاری به خیلی عقب‌تر برمی‌گردد. در سمینار اطلاع‌رسانی کتابداری پزشکی ایران که در ۱۳۶۷ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شد، من در آنجا مقاله‌ای درباره تشکیل مرکز ملی اطلاعات پزشکی ارائه کردم. در آن مقاله متذکر شدم که در حوزه سازماندهی متون و منابع پزشکی در ایران، یکی از مسائل اساسی که ذهن بسیاری از متخصصان اطلاع‌رسانی پزشکی را به خود معطوف داشته، یافتن زبان علمی مشترک است که بتواند نقش سرعنوان موضوعی را برای متون فارسی و انگلیسی برعهده گیرد. طرح‌هایی نیز از سوی برخی علاقه‌مندان، چه به صورت رسمی چه غیررسمی، برای تهیه

دکتر حری:  
در هستی‌شناسی  
اصطلاحنامه، اصطلاحنامه  
را بر اساس نگاه  
تدوین‌کنندگان می‌توان  
ارزش‌گذاری کرد  
نه اینکه تصور کنیم  
اصطلاحنامه پوشش  
جامعی بر هستی آن  
رشته داده است



سرعنوان‌های موضوعی پزشکی یا مش انگلیسی - فارسی یا تدوین سرعنوان موضوعی فارسی بر مبنای مش ارائه شده که درخور ستایش است. درباره رسمی و غیررسمی به پایان‌نامه خانم گیتی غطان با عنوان «بررسی امکانات و محدودیت‌های تدوین سرعنوان‌های موضوعی پزشکی به فارسی» که در ۱۳۶۵ در دانشگاه تهران عرضه شده، اشاره شده و منظور از غیر رسمی نیز در پانویس نوشته‌ام که خانم فاطمه رها دوست، همکار جدی و علاقه‌مند در کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران چندین سال است که در این زمینه اندیشیده و طرح خود را نیز مکتوب کرده است. یعنی تقریباً اوایل دهه شصت مقدمات چنین کاری آغاز شده است. همان‌گونه که اشاره کردند کارهای زمان‌بر و سنگین که جنبه مرجع پیدا می‌کند و مبنای استفاده دیگران قرار می‌گیرد، جز عشق هیچ انگیزه‌ای برای آن نمی‌توان متصور بود. اگر بخواهیم برای زمانی که افراد دست‌اندرکار صرف انجام این کار کرده‌اند، ارزش اقتصادی متصور شویم، بسیار کلان ارزیابی می‌شود. پس هیچ چیز جز عشق انگیزه این کار نیست، اعم از اینکه سرعنوان، اصطلاحنامه یا دایرةالمعارف باشد. اینها کارهای بسیار پرزحمت و زمان‌بری است و فقط هنگامی که محصول تولید می‌شود، عادت داریم که فقط به نقایص کار توجه کنیم و دنبال نقاط قوت و مزیت‌های آن نیستیم. کار اصطلاحنامه، بسیار دشوار است و در عین حال مسئولیت‌درازمدت دارد. مسئولیت آن هم بدین صورت است که وقتی استفاده از اصطلاحنامه را می‌پذیریم، بدین معناست که کسانی که از این ابزار در بخش فهرست‌نویسی یا نمایه‌سازی استفاده می‌کنند، دیگر مجاز نیستند، شخصاً اجتهاد کنند. در هر باب باید به آن مراجعه شود. حتی اگر چیزی قرار است، اضافه شود باید بر مبنای ساختار و سیاستی باشد که در اصطلاحنامه تعریف شده است و این مسئولیت بسیار سنگینی است.

چیزی که به نام آنتولوژی اصطلاحنامه از آن یاد می‌شود، (در حوزه فناوری اطلاعات و در هوش مصنوعی به اصطلاحنامه، آنتولوژی می‌گویند). زمانی این مسئله، مرا به فکر که برد که چرا از این واژه استفاده می‌شود. ما ممکن است کلمه آنتولوژی را برای اصطلاحنامه به کار ببریم، ولی برای حوزه‌ای که اصطلاحنامه، نماینده آن است، باید با احتیاط آن را به کار برد. دلیلش هم این است که ما در هستی‌شناسی اصطلاحنامه، اصطلاحنامه را بر اساس نگاه تدوین‌کنندگان می‌توانیم ارزش‌گذاری کنیم نه اینکه تصور کنیم اصطلاحنامه پوشش جامعی بر هستی آن رشته داده است. این نکته بسیار اساسی است که اتفاق هم می‌افتد. در حال حاضر تقسیماتی که در اصطلاحنامه تحت عنوان خرد و کلان صورت می‌گیرد، از همین جا ناشی می‌شود. اصطلاحنامه یونسکو که جزو اصطلاحنامه‌های کلان است، چندین حوزه را در بر گرفته است. در آن آموزش و کتابداری نیز هست، ولی چون از دور به این حوزه‌ها می‌نگرد، کلان با آنها برخورد کرده است. هر یک از آن حوزه‌هایی که در اصطلاحنامه یونسکو هستند، خودشان اصطلاحنامه مستقلی تفصیلی دارند. کدام یک از آنها آنتولوژی رشته است؟ همه آنها آنتولوژی اصطلاحنامه و در واقع آنتولوژی رویکرد تدوین‌کنندگان در آن رشته هستند و هرگز نمی‌توان ادعا



### دکتر حری:

کار اصطلاحنامه نه فقط در تدوین به پایان نمی‌رسد، بلکه حتی مسئولیت سنگینی است. زیرا ما در حال پیچیدن نسخه‌ای برای نمایه‌سازی هستیم که در آینده می‌خواهند از این ابزار استفاده کنند و این ابزار باید توانمندی و قابلیت کامل، ورودی‌های جدید و اندیشه‌ها و اصطلاحات نو را داشته باشد

کرد که من تصویر جامعی از رشته ارائه کرده‌ام و فکر هم نمی‌کنم که کسی بتواند چنین ادعایی کند. اگر کسی چنین ادعایی بکند، پرچم بزرگی در برابر فلسفه هستی برداشته است و ادعای ترسیم هستی را کرده است. اگر ما بپذیریم که آنتولوژی‌ها و اصطلاحنامه‌ها با یکدیگر به دلیل رویکردها و نگاه‌ها متفاوت است، می‌توانیم از چیزی به نام آنتوگرافی یاد کنیم. آنتولوژی شناخت آن هستی و آنتوگرافی، توصیف و ترسیم آن هستی است. آنچه در تدوین اصطلاحنامه رخ می‌دهد، آنتوگرافی است. اما زمانی که محصول ایجاد شد، به آنتولوژی تبدیل می‌شود که مورد مطالعه ما قرار گرفته است. آنتولوژی همان اصطلاحنامه که ادعا می‌شود آن حوزه را مورد پوشش قرار داده است. ترسیم و توصیف آن هستی برای کسانی که آن را ابزار کارشان قرار می‌دهند و بر اساس آن نمایه‌سازی می‌کنند، خیلی مهم است. اگر می‌پذیریم که اصطلاحنامه خود یک هستی است، هر مقاله‌ای که از آن استفاده می‌کند و تبدیل به یک مقاله نمایه‌سازی شده می‌شود، هم خود یک هستی است. منتهی زمانی که زبان کنترل شده را برای نمایه‌سازی تجویز می‌کنید، حد پرواز نمایه‌ساز را در درون ساختار و چارچوب اصطلاح محدود کرده‌اید و اگر غیر از آن باشد، نقض غرض است. همه قرار است از این سیاست استفاده کنند. پس زمانی که من آن را محدود می‌کنم و آن هست‌های مقالات را در چارچوبی محدود می‌کنم، مسئولیتی برای خود ایجاد کرده‌ام و اندیشه‌ها و مفاهیم نو زمانی که از طریق مقالات وارد می‌شوند، باید بتوانند در اصطلاحنامه حضور پیدا کنند و بازخوردش به مقالاتی برگردد که این اندیشه جدید را مطرح کرده‌اند. در اینجا بحث روزآمدی مطرح می‌شود. همیشه در اصطلاحنامه و سرعنوان به‌منابۀ ابزار سازماندهی یکی از بحث‌های مهم، روزآمدسازی است. زیرا اگر جز این باشد و اصطلاحنامه روزآمد نشود، دامنه حرکت مقالات و اندیشه‌های جدید را محدود می‌کند. اگر شما اجازه نداشته باشید که از یک اندیشه جدید که با مفهوم و اصطلاح جدید وارد شده، استفاده کنید، مجبور می‌شوید یک مرحله بالاترش را که اصطلاحنامه اجازه داده، وارد کنید و به این معنا آن را ندیده گرفته‌اید. یعنی کسی که اندیشه نو داشته و کسی که اندیشه نو نداشته، هر دو در یک ردیف نمایه‌سازی شده‌اند.

خانم رها دوست اشاره کردند که قرارداد در یک مقیاس محدود بسته شده است و واقعا هم چنین است. مهم نیست که ناشر خصوصی یا دولتی باشد، باید برای هر دو تفهیم کنید که کار چگونه است. البته این کار بسیار دشوار است. آنها بر اساس حجم کتاب قضاوت می‌کنند و نه درون و محتوای کتاب. من به یاد دارم دکتر خسروی در دوران نوزایی اصف، جلساتی آنجا برگزار می‌شد، یک اصطلاح چندین بار می‌رفت و برمی‌گشت. زیرا متخصص رابطه سلسله مراتبی را نمی‌فهمید، اصطلاح برمی‌گشت و در درون کار گروه‌ها اصلاح می‌شد. این کجا خودش را نشان می‌دهد. نهایتاً اصطلاحنامه تعدادی اصطلاح اخص و اعم و وابسته دارد و شما نمی‌دانید که در طول کار چه اتفاقی افتاده تا کار به انسجام برسد. هزینه اصلی اصطلاح، حفظ چرخه حیات است، هزینه آن بیشتر از تولید است، زیرا شما نمی‌توانید به‌طور مداوم نیروهای پایه را همراه خود داشته باشید و به تناسب از آنها استفاده کنید. بنابراین کار اصطلاحنامه نه فقط در تدوین به پایان نمی‌رسد، بلکه حتی مسئولیت سنگینی است. زیرا ما در حال پیچیدن نسخه‌ای برای نمایه‌سازی هستیم که در آینده می‌خواهند از این ابزار استفاده کنند و این ابزار باید توانمندی و قابلیت کامل، ورودی‌های جدید و اندیشه‌ها و اصطلاحات نو را داشته باشد.

حاجی‌زین‌العابدینی: با تشکر از دکتر حری که نکات مفیدی بیان کردند. در خدمت دکتر خسروی هستیم که در ویرایش قبلی اصطلاحنامه پزشکی حضور داشتند و همچنین تجربه ارزشمند تهیه اصطلاحنامه اصف (اصطلاحنامه زبان فارسی) را دارند. این دو اصطلاحنامه ظاهراً با هم رشد کرده‌اند. اکنون اصطلاحنامه اصف به ویرایش سوم رسیده و به‌صورت سه زبانه (فارسی، انگلیسی و عربی) منتشر شده است. از دکتر خسروی خواهش می‌کنم درباره تجربه‌شان در تهیه اصف و اصطلاحنامه پزشکی فارسی توضیح دهند. ضمن آنکه اگر ایشان در کتابخانه ملی نبودند، مطمئناً خیلی از این آثار امکان انتشار پیدا نمی‌کرد. برنامه کتابخانه ملی در این زمینه در مقام یک مرکز ملی که وظیفه‌اش تهیه منابع مرجع برای کتابداران و متخصصان موضوعی دیگر است، چیست؟

دکتر خسروی: بسیار خوشحالم که اصطلاحنامه پزشکی فارسی، بدون برگزاری هیچ جلسه معارفه و تبلیغی کتاب سال شد و خوشبختانه از سوی دانایانی معرفی شد که ارزش این نوع آثار را می‌دانستند. این تصمیم خوب و خردمندانه‌ای بود. ویرایش اول اصف، پژوهش برتر سال شد و حالا هم ویرایش دوم اصطلاحنامه فارسی پزشکی کتاب سال شده است. این گزینش‌ها نشان می‌دهد که رشته کتابداری در زمینه معرفی آثار خود چندان هم مظلوم نبوده و توانسته است، دو اصطلاحنامه خود را به‌عنوان کار برگزیده معرفی کند. البته کارهای برگزیده



**دکتر خسروی:**

**اصطلاحنامه موجود  
زنده‌ای است و اگر رگ‌های  
حیاتی‌اش برقرار نباشد و  
آنچه لازم دارد، یعنی به روز  
رسانی، در آن صورت نگیرد،  
اصطلاحنامه می‌میرد**

دیگری هم بوده که موضوع این جلسه نیستند.

بارها اشاره کرده‌ام که اصطلاحنامه موجود زنده‌ای است و اگر رگ‌های حیاتی‌اش برقرار نباشد و آنچه لازم دارد، یعنی به روز رسانی، در آن صورت نگیرد، اصطلاحنامه می‌میرد. این سازماندهی خاصی را طلب می‌کند. لازم است اشاره کنم که برنامه‌های کامپیوتری نقش مهمی در شکل‌گیری درست اصطلاحنامه‌ها دارند. برنامه‌ای که اصطلاحنامه پزشکی با آن سازمان داده شده است، برنامه‌ای است که مهندس ابراهیم پور آن را با فاکس پرو برای اصف‌پدیده آورد و چون از ابتدا، تدوین آن با نظر متخصصان صورت گرفت و گام به گام با او جلو رفتند، تقریباً خطای برنامه در سازماندهی اصطلاحنامه به صفر رسیده است.

بنده در ویرایش اول تدوین اصطلاحنامه نقش بیشتری داشتم، در ویرایش دوم اصطلاحنامه، بیشتر نقش نظارتی داشتم. درباره مشکلات و مسائلی که خانم رهادوست مطرح کردند، باید بگویم که اگر فرد به‌حق احساس عشق و خدمت نکند، نمی‌تواند کار کند. از نظر سازمانی هم باید توجه کرد که سازمان‌های اجرایی و مدیران آنها مسائل و مشکلات خاص خود را دارند.

مدیر اجرایی از طرفی با متخصصی روبه‌رو است که بهای واقعی کار خود را نمی‌گیرد و در واقع پاداش واقعی او از جنبه مادی و بعضاً معنوی تأمین نمی‌شود، لذا معمولاً شش‌اکی است. این مدیر از سوی دیگر برای تأمین اعتبار با بدنه مالی سازمان روبه‌روست که اغلب چیزی از اصطلاحنامه و نوشتن نمی‌دانند و باید منابع مالی برای کار تأمین کنند، پس او از سویی با متخصصی روبه‌روست که خود را تحت ستم می‌بیند و البته حق هم دارد. از سوی دیگر بخش مالی و اجرایی سازمان است که نسبت به موضوع ناآگاه است و خود را خازن بیت‌المال می‌داند. مدیر مجبور است هر دو طرف را تحمل کند! تا کار به سامان آید.

درباره آنتولوژی هم به نظرم بهتر است در رشته ما به جای اصطلاح هستی‌شناسی (آنتولوژی)، اصطلاح هستی‌نگاری (آنتوگرافی) را به کار ببریم. زیرا آنچه ما در این رشته انجام می‌دهیم، هستی‌نگاری است و نه هستی‌شناسی.

**دکتر حزی:** هستی‌شناسی هر بخش را آماده می‌کنیم تا آن را در معرض استفاده قرار دهیم. پس آنچه را اکنون به اسم آنتولوژی انجام می‌دهیم، در واقع آنتولوژی است. آنتوگرافی زمانی است که هستی پدیده را شکل می‌دهید، ولی وقتی هستی به مرحله هست بودن خود رسید، دارید آن را مطالعه می‌کنید. زمانی که اصطلاحنامه خانم رهادوست را مطالعه و ارزش‌گذاری می‌کنم، آنتولوژی را که خلق کرده‌اند، مطالعه می‌کنم. اما زمانی که آن را ترسیم و ایجاد رابطه می‌کنم و آنها را براساس مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها توجیه می‌کنم، در واقع آن هستی را توصیف و ترسیم می‌کنم. به همین دلیل در متون بین آنتولوژی و آنتوگرافی تفاوت قائل شده‌اند.

**حاجی‌زین‌العابدینی:** ما خیلی دوست داشتیم در خدمت مهندس ابراهیم پور، طراح نرم‌افزار اصطلاحنامه نیز می‌بودیم و توضیح این نرم‌افزار بخش عمده‌ای از کار را ساده می‌کرد و تا آنجا که من حضور ذهن دارم، برای ویرایش دوم صحبت بر سر آن بود که از نرم‌افزار دیگری استفاده شود که ممکن نشد. از آقای ابراهیم عمرانی که تجاربی کاربردی در زمینه سازمان‌دهی اصطلاحنامه‌ها و کار عملی با اصطلاحنامه‌ها دارند، درخواست می‌کنم دیدگاه خود را بفرمایند.

**عمرانی:** من به پایان‌نامه‌های دانشگاهی و نمایه‌سازی آنها در دانشگاه تهران اشاره می‌کنم. زمانی که ویرایش دوم اصطلاحنامه پزشکی فارسی منتشر شد، آن را بررسی کردم. از آنجا که ما در دانشگاه تهران هستیم و نه علوم پزشکی، فقط می‌توانستیم از موارد علوم پایه پزشکی آن استفاده کنیم. مباحثی مثل فیزیولوژی، مورفولوژی، میکروبی‌شناسی، آناتومی و بافت‌شناسی. کار ما در دانشگاه این بود که پس از یک دوره نمایه‌سازی غیر استاندارد که به هیچ وجه کاربردی نبود و چون اصطلاحنامه‌ای که بتوان با آن کار جدی انجام داد، نداشتیم. نهایتاً پنج سال پیش تصمیم گرفتیم که از کلیدواژه‌های لاتین استفاده کنیم و همین کار صورت گرفت. زیرا اهل تحقیق مثلاً در زمین‌شناسی از روی توصیف‌گرهای ژئورف (GEOREF) خیلی راحت به آنچه می‌خواهند، دسترسی پیدا می‌کنند. با این کار ما عملاً مشکلمان را تا حدی حل می‌کردیم، ولی هنوز مشکل وجود داشت و این راه حل اساسی نبود. این راه حل موقت بود و ما با مراکزی چون مرکز اسناد و مدارک علمی ایران دائم در ارتباط بودیم تا بدانیم که پایان‌نامه‌هایی که در حوزه کاری ماست، در چه وضعی است. پس از آنکه اصطلاحنامه پزشکی فارسی منتشر شد، (ما از اصطلاحنامه مش استفاده نمی‌کردیم)، تقریباً با همان فاصله، اصطلاحنامه علوم زیستی نیز منتشر شد و ما کارمان را با هر دو اصطلاحنامه مقایسه کردیم و دست به تغییراتی در شیوه کارهای



حافظیان:

اصطلاحنامه در ایران  
از سوی داوران کتابدار  
در کتاب سال بررسی  
شده است و از لحاظ  
داوری، کتابداران و  
اطلاع‌رسانان روی آن  
نظر داده‌اند، نه افراد  
خارج از حوزه

صورت گرفته، زدیم و این کار ادامه دارد. گفتیم که ما از هر دو اصطلاحنامه علوم زیستی و تزاروس پزشکی فارسی استفاده کردیم و در برخی حوزه‌ها، مثل میکروبی‌شناسی، شناخت تقریباً خوبی از هر دو تزاروس داریم. به هیچ‌وجه، نمی‌خواهم بگویم که کار مرکز اسناد و مدارک علمی ایران ناقص بوده است. ما با اصطلاحات زیادی برخورد کرده‌ایم که در اصطلاحنامه‌ها به کار نرفته است و در حال جمع‌آوری آنها هستیم تا در اختیار مرکز اسناد و مدارک علمی قرار دهیم که حداقل روی آنها کار شود و ارجاعات و روابطی که در حال تعریف شدن و اضافه شدن است، یکسان گردد. اصطلاحنامه علوم زیستی نیز برای ما مشکلی ایجاد نکرد، ولی در برخورد با برخی واژه‌ها و مقایسه آنها، به نظرم می‌رسید که در اصطلاحنامه پزشکی فارسی تعداد واژه‌های مترادف و مرتبط را که پیدا می‌کردیم، بیشتر بود. شاید روابط بهتر تعریف شده بود. به گونه‌ای که برای پایان‌نامه‌های میکروبی‌شناسی، اصطلاحنامه پزشکی را به اصطلاحنامه علوم زیستی ترجیح می‌دادم. البته نمی‌خواهم از ارزش کار مرکز اسناد و مدارک علمی ایران بکاهم، ولی به نظرم در این حوزه‌ای که مقایسه‌ای و کاربردی جلو رفتیم، کار با اصطلاحنامه پزشکی بهتر بود.

درباره سخنان دکتر حرّی و دکتر خسروی درخصوص آنتولوژی آنگونه که ما درباره آنها می‌خوانیم، نه به معنای دقیق فلسفی آن، بلکه در اصطلاحی کاربردی که اکنون به کار می‌رود، توجه کنیم، ببینیم که نرم‌افزارها و در کل ذخیره و بازیابی مدرن چه تأثیری می‌توانند در کار اصطلاحنامه‌ها داشته باشند. روی آنتولوژی‌ها با آن مفهومی که ما اکنون به‌عنوان فراواژگانی شناختی استنباط می‌کنیم، تأثیر نرم‌افزار و علوم کامپیوتر را بسیار زیاد می‌دانم. یک تعامل بسیار قوی و محکم بین کتابداران و متخصصان کامپیوتر رخ داده است که به سمت آنتولوژی رفته‌اند. با آن معنایی که من از اصطلاح آنتولوژی سراغ دارم، (آنتوگرافی بودنش، فراواژگان شناختی یا هستی‌نگاری) فراتر از اصطلاحنامه است. اصطلاحنامه چند بعدی است، ولی در هر حال پایه‌اش اصطلاحنامه است. من فقط می‌خواهم ابراز شادمانی و قدردانی کنم از همه دوستانی که روی اصطلاحنامه‌های موجود کار کرده‌اند. اینها زمینه خوبی برای تحولی است که بدان نیازمندیم. من فکر می‌کنم در کلمه فراواژگان و فرااصطلاحنامه، نوعی نگاه ماشینی و ریاضی وجود دارد. ببینیم آنالیزبرداری چه ربطی به اصطلاحنامه دارد. این اصطلاحنامه‌هایی را که کتابداران در ادامه بحث‌های تحلیل موضوعی به‌وجود آوردند و بیشتر با نگاهی کتابدارانه (البته کتابداران پیشرو) در اجرای آن از کامپیوتر هم کمک گرفتند. حالا باز تعریف می‌شوند، ولی این بار با توانی بیشتر و بیشتر. کتابداران یاد گرفته‌اند که ماشینی‌تر فکر کنند و متخصصان رایانه نیز به‌طور تخصصی به حوزه اصطلاحنامه‌ها پرداخته‌اند و اگر ما واژه و عبارتی را در اصطلاحنامه قرار می‌دهیم، آنها جهت بردار را از ما می‌پرسند. اصطلاحنامه‌سازان و رایانه‌ورزان در این مبحث به تفاهم رسیده‌اند و دیگر با زبانی بسیار نزدیک با هم گفت‌وگو می‌کنند. به صحبت اولم در باره آنتولوژی برگردم، ما با یک اصطلاح روبه‌رو



**عمرانی:**

**کتابداران یاد گرفته‌اند  
که ماشینی تر فکر کنند  
و متخصصان رایانه نیز  
به‌طور تخصصی به حوزه  
اصطلاحنامه‌ها پرداخته‌اند و  
اگر ما واژه و عبارتی را در  
اصطلاحنامه قرار می‌دهیم،  
آنها جهت بردار را از ما  
می‌پرسند**

هستیم؛ آن اصطلاح مفاهیم فراتر از اصطلاحنامه را معرفی می‌کند، ولی پایه‌اش همین اصطلاحنامه است. حالا خوشحالم که اصطلاحنامه‌هایی داریم که اگر قرار شد به سمت ساختن آنتولوژی‌ها برویم، سرمایه‌اش را داریم. **محسن حاجی‌زین‌العابدینی:** اجاره می‌خواهم اشاره کنم که ما دوستان بسیاری را از مرکز اسناد و مدارک علمی ایران که در زمینه اصطلاحنامه تخصص داشتند، دعوت کردیم از جمله خانم بهشتی، دهرایی و جناب آقای نوروزی. البته خانم دهرایی به نمایندگی از آنها تشریف آورده‌اند و پژوهشگاه مدارک علمی ایران تجربیات زیادی دارد و اصطلاحنامه‌هایی چون زمین‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم زیستی، نما، شیمی و فنی مهندسی تهیه کرده است. از سرکارخانم دهرایی می‌خواهیم در زمینه تجربیاتی که در مورد اصطلاحنامه‌سازی در این مرکز وجود دارد، برای ما توضیح دهند.

**دهرایی:** خانم رهادوست ناظر طرح من در اصطلاحنامه بهداشت بودند. من بدون اصطلاحنامه ایشان اصلاً کار نمی‌کنم. چه زمانی که ویرایش اول آن منتشر شد، چه اکنون که ویرایش دوم آن منتشر شده است. از نمایه آن بسیار استفاده می‌کنم. وجود اصطلاحنامه‌ها به نمایه‌سازی بهتر در مرکز اسناد کمک کرده است. حجم زیادی از اطلاعات، مدارک، مقالات و سمینارها وارد مرکز اطلاعات می‌شود و برای یکدست کردن آنها باید از اصطلاحنامه‌ها کمک گرفت. در زمینه اصطلاح‌شناسی در پزشکی اولویت با کتاب خانم رهادوست است و کتاب ایشان تنها کتابی است که در این زمینه حداقل نقص‌ها را دارد و با توجه به حرف‌های دکتر حرّی درباره روزآمدسازی باید بگویم که ما در کنار اصطلاحنامه پزشکی فارسی، از مش به‌صورت آن لاین استفاده می‌کنیم و چون خیلی از واژه‌ها را داریم که در ساختار اصطلاحنامه موجود نیست، ارجاعاتی داریم و نمی‌دانیم که باید آنها را به چه ارجاع دهیم. در نتیجه از این دو در کنار هم استفاده می‌کنیم و امیدواریم که ویرایش سوم آن منتشر شود و برای خانم رهادوست آرزوی موفقیت داریم.

**حاجی‌زین‌العابدینی:** از آقای حافظیان می‌خواهم درباره اصطلاحنامه از منظر داوری و ارزیابی سخن بگویند. چون ایشان از جمله داوران بخش کلیات بودند و قطعاً معیارهایی برای انتخاب آن به‌عنوان اثر برگزیده در این دوره داشته‌اند.

**حافظیان رضوی:** بسیار خوشحالم که کار کتاب سال فقط روی صحنه تالار وحدت تمام نشد! خوشبختانه سنتی که کتاب ماه کلیات برقرار کرده تا کتاب‌های برگزیده را در بستر اجتماعی مورد بررسی قرار دهد، سنت خوبی است و نیز خوشحالم از اینکه استادان من در این جلسه، چه آنهایی که خودشان اصطلاحنامه طراحی و منتشر کرده‌اند، چه کسانی که در این باره نظریه‌پردازند، هر دو بر این قضیه اتفاق نظر دارند که انتخاب اصطلاحنامه پزشکی فارسی، کار درستی بوده است. فقط برای یادآوری خدمت دکتر حرّی عرض می‌کنم که اصطلاحنامه در ایران از سوی داوران کتابدار در کتاب سال بررسی شده است و از لحاظ داوری، کتابداران و اطلاع‌رسانان روی آن نظر داده‌اند، نه افراد خارج از حوزه. اگرچه این اصطلاحنامه قبلاً در یکی از شماره‌های کتاب ماه نقد شده و قبل از اینکه کتاب سال شود، نقدی بر آن نوشته شده است، ولی چیزی که از اشاره استاد حرّی استناد می‌شود، این است که در کتابخانه ملی برای این نوع کتاب‌ها، مراسم رونمایی صورت گیرد تا این گونه آثار معرفی شوند.

به هر حال فعالیت جدیدی بود و تقریباً سه دهه است که اصطلاحنامه‌ها به جریان افتاده‌اند. ما زمانی می‌بایستی درباره مفهوم اصطلاحنامه توضیح می‌دادیم، ولی حالا دستمان در زمینه اصطلاحنامه پر است و اصطلاحنامه‌های قابل استناد و قابل استفاده زیادی داریم. بنابراین داوران به‌دلیل اشرافی که بر این جریان داشتند، این اصطلاحنامه را برگزیدند. فعالیت برای رفع نیاز جامعه کاربر صورت گرفته و مبتنی بر پژوهش، مطالعه نمونه‌ها و راهکارها و هم یافتن راهکارهای جدید برای ارائه بوده است و کارگروهی قابل تقدیری بوده است.

خانم رهادوست اشاره کردند که این کار باید نهادی شود و مبتنی بر فرد نباشد، ولی گروهی که این کار را شروع کرده، می‌تواند بعداً به‌عنوان یک مجموعه تحت پوشش یک نهاد کار کند. اثر حاضر مسیر مناسبی را برای حرکات بعدی تعیین کرده است. معماری و ساختار کتاب هم که مورد توجه و تأکید کتابداران است، به‌صورت مناسبی ارائه شده است. به‌اعتقاد ما آثار مرجع باید در شکل وزین و قابل استفاده ارائه شوند و اصطلاحنامه نه‌تنها از نظر ساختار و معماری به‌خوبی تدوین شده، از نظر محتوایی نیز موفق بوده است. از آنجاکه این کتاب‌ها نمی‌تواند یک‌باره به‌صورت کلی ویرایش شود، می‌توان به‌صورت جزوه‌های تکمله‌ای و موردی مطالبی برای روزآمدی به آنها افزود. من یکی از داوران بودم و با کمال خوشبختی اظهار می‌کنم که به این کتاب امتیاز بالایی



### کازرانی:

میزان اشتباه در روابط معنایی،  
در ویرایش اول اصطلاحنامه  
پزشکی فارسی با ۶/۹۹  
درصد و سپس اصفا با ۸/۹۸  
درصد و اصطلاحنامه نما با  
۵/۷۱ درصد و اصطلاحنامه  
موضوعی امام خمینی با ۲/۲۳  
درصد بوده است

دام و دیگران نیز امتیازهای بالایی به این کتاب دادند.  
حاجی زین العابدینی: از خانم کازرانی می‌خواهم درباره نتایج پژوهش پایان‌نامه کارشناسی ارشدشان که مرتبط با اصطلاحنامه است، توضیح دهند.

کازرانی: من در ۱۳۷۶ پژوهشی با عنوان «ارزیابی اصطلاحنامه‌های فارسی با استاندارد ایزو» انجام دادم، در این پژوهش، اصطلاحنامه‌هایی که به زبان فارسی تهیه شده و در نوع خود جامع بودند، مانند اصطلاحنامه اصفا در علوم اجتماعی، اصطلاحنامه نما در علوم و فنون، اصطلاحنامه پزشکی فارسی و نظایر آن، در سه بخش ساختار شکلی، روابط معنایی و نحوه ارائه بر اساس استانداردهای ایزو بررسی شدند. نتایج این پایان‌نامه، بسیار عجیب بود. زیرا با توجه به آنکه اصطلاحنامه‌های فارسی جزء اولین تجربه‌های تألیف اصطلاحنامه در ایران بودند، نسبت به برخی اصطلاحنامه‌های اروپایی کمترین اشتباه را در بخش ساختار، محتوا و نحوه ارائه داشتند. در واقع تمام جنبه‌های استانداردهای ایزو ۲۷۸۸ را رعایت کرده بودند. اصطلاحنامه‌هایی مانند اصطلاحنامه نما که ترجمه یک اصطلاحنامه خارجی بود، با وجودی که مدت‌ها بود که همکارانمان در مرکز مدارک علمی روی آن زحمت کشیده بودند و جای تقدیر و تشکر دارد، در بخش روابط معنایی اش مشکل داشت و حتی اگر اصطلاحنامه‌سازی را یک فرایند نوپا در ایران در نظر بگیریم که از جایی کارش را شروع کرده، خوشبختانه به این نتیجه رسیدیم که کارش را خوب و کم‌غلط و حتی بی‌غلط شروع کرده است و نسبت به نمونه‌های اروپایی اش که سابقه و خدمت بیشتری در تهیه اصطلاحنامه دارند، در بخش محتوایی اشتباهات در اصطلاحنامه‌های فارسی بسیار کمتر بوده است. اگر بخواهم یک آمار کلی ارائه کنم، میزان اشتباه در روابط معنایی، در ویرایش اول اصطلاحنامه پزشکی فارسی با ۹۹/۶ درصد و سپس اصفا با ۹۸/۸ درصد و اصطلاحنامه نما با ۷۱/۵ درصد و اصطلاحنامه موضوعی امام خمینی با ۲۳/۲ درصد بوده است. به خاطر دارم وقتی نتایج این تحقیق منتشر شد، روی ویرایش دوم اصطلاحنامه موضوعی امام خمینی کار می‌کردند و کارشان را ویرایش مجدد کردند. از مشکلات من در پایان‌نامه این بود که تنها نمونه این کار در ژاپن انجام شده بود که به بررسی اصطلاحنامه‌ها و مقایسه آنها با استانداردهای ایزو ۲۷۸۸ پرداخته بود و من مجبور شدم که از ترجمه انگلیسی این متن ژاپنی استفاده کنم. من تصور می‌کنم اگر پژوهش را یک‌بار دیگر با اصطلاحنامه‌های خودمان انجام دهیم، حتماً به نتایج بهتر و قابل قبول‌تری می‌رسیم.

حاجی زین العابدینی: درباره اصطلاحنامه نما، آیا وقتی این اصطلاحنامه ترجمه و به زبان فارسی وارد شد، چنین مشکلاتی برایش پیش آمد یا در زبان اصلی چنین مشکلاتی داشت؟  
کازرانی: روابط معنایی اصطلاحنامه در اصل متن اولیه اشتباه داشته است که غلط نیز ترجمه شده است. نه اینکه همکاران اشتباه ترجمه کرده باشند، روابط درست تعریف نشده بوده و به همان نسبت فارسی آن هم اشتباه شده است.

رهادوست: من درباره آینده این اصطلاحنامه احساس نگرانی می‌کنم. گاهی فکر می‌کنم چه خواهد شد، ما به چه راهی می‌رویم؟ تا کی باید برحسب تصادف و تحت شرایط ویژه، عشق و علاقه عده‌ای نسبت به چنین کاری شکوفا شود و این انگیزه و عشق باعث شود در طول زمان با مسئله‌ای ارتباط برقرار کنند و حاصل آن ارتباط، نتیجه‌ای رضایت‌بخش داشته باشد؟ آیا واقعاً درست است؟ وقتی اصطلاحنامه، کتاب سال شد، با توجه به اینکه این کتاب در ۱۳۸۴ چاپ شده و در ۱۳۸۵ کتاب سال شده، چندان که انتظار می‌رفت مورد نقد و بررسی قرار نگرفت و من علاقه‌مند بودم این کتاب بیشتر در جریان نقد شناخته می‌شد. متأسفانه وضع نقد در جامعه ما بسیار بد است و هر کسی که وارد این عرصه می‌شود، بلافاصله ایزوله می‌شود و مسائلی برایش پیش می‌آید که اگر انسان با اراده و معتقدی نباشد، نقد کردن را کنار می‌گذارد. من نگران این وضع هستم و احساس می‌کنم اصطلاحنامه در ایران متولی ندارد. اگر آقای دکتر خسروی و من در این مسیر قرار نمی‌گرفتیم، چگونه کار انجام می‌شد؟ همان‌طور که اشاره شد من در ۱۳۶۵ اولین پیش‌طرح این کار را ارائه دادم. آیا درست است در کشوری که این همه داعیه‌های بزرگ دارد، هیچ نهادی، متولی امر اصطلاحنامه‌نویسی نباشد؟ من راهنمای خانم حسینی‌زاده، در پایان‌نامه‌شان بودم و نتایج آن نشان داد که بزرگ‌ترین مشکل، مسئله مدیریت است. مدیریت این کار بسیار مهم است. کشورهای پیشرفته این مسئله را نهادی کرده‌اند. مثلاً در اواسط سده بیستم، دپارتمان مش فعال بوده و به‌صورت کاملاً منظم، پروژه را اجرا می‌کرده است. اما اگر ما بخواهیم این کار را نهادی کنیم، آیا اطمینان داریم که آن متغیرهایی که باعث می‌شود، این نهاد کار را خوب انجام بدهد برای ما شناخته شده



## رهادوست:

### من درباره آینده این

اصطلاحنامه احساس نگرانی

می‌کنم. گاهی فکر می‌کنم چه

خواهد شد، ما به چه راهی

می‌رویم؟ تا کی باید برحسب

تصادف و تحت شرایط ویژه،

عشق و علاقه عده‌ای نسبت

به چنین کاری شکوفا شود

و این انگیزه و عشق باعث

شود در طول زمان با مسئله‌ای

ارتباط برقرار کنند و حاصل آن

ارتباط، نتیجه‌ای رضایت‌بخش

داشته باشد؟

است؟ نوعی بی‌اطمینانی در این زمینه وجود دارد. در جلسه اصفیا نیز اشاره کردم که کتابخانه ملی یا مرکز نظام اطلاع‌رسانی یا هر نهاد متولی کشور وظیفه دارد، افرادی را که این کارها را انجام داده‌اند، به هم معرفی کند و به هم ارتباط دهد. من امروز از نزدیک با خانم ده‌سرای آشنا شدم و پیش از این، ارتباطات ما تلفنی بود و من فقط اصطلاحنامه ایشان را دیده و صدایشان را شنیده بودم.

افراد بسیاری هستند که در این زمینه تجربه‌های ارزشمندی دارند، ولی ما حتی آنها را ندیده‌ایم. این وضع جالب نیست. هیچ‌گونه ارتباطی بین افرادی که در این زمینه کار می‌کنند، وجود ندارد. همدیگر را نمی‌شناسند و نمی‌توانند تجربه‌های خود را به همدیگر منتقل کنند و چه بسا دوباره کاری‌هایی صورت می‌گیرد. این مشکلات را همه می‌دانند و حس می‌کنند. چه باید کرد؟ هیچ کس عمر ابدی ندارد و قوانین مالکیت معنوی هم باید در نهایت اجرا شود. لازم است همه ما نگران این مسائل باشیم که چرا کارها از مسیر نقد سالم مطرح نمی‌شود و فرضاً باید از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵، ۲۰ سال طول بکشد تا کار فردی شناخته شود. ۲۰ سال زمان زیادی است. به نظر من، ما باید به‌شدت نگران آینده باشیم برای اصطلاحنامه‌ها و کارهای خوب و منابع مرجعی که باید اصولاً همیشه روزآمد شوند. راستی چه نهادی واقعاً می‌تواند ادعا کند که از عهده این کار برمی‌آید؟ شاید ظاهراً قبول کند ولی آیا واقعاً توان و قابلیت کار درست را دارد؟ بسیاری از کتابداران ما در پست‌های واقعی خود نیستند و غیر کتابداران پست‌های آنان را اشغال کرده‌اند. در شرایطی که به قول دکتر خسروی بیشترین مشکل و کار ناظر طرح این باشد که به جای کار نظارت، بین امور مالی و گروه اصطلاحنامه نویسی ارتباط برقرار کند، نمی‌توان امیدوار بود. در صورتی می‌توان گام اساسی برداشت و کار نهادی کرد، که هدف حقیقتاً نهادی کردن کار باشد نه قدرت و شرایطی فراهم شود که اولاً کارها با برنامه‌ریزی سنجیده آغاز شود و ثانیاً کارهایی که با زحمات فراوان و انرژی زیاد صورت می‌گیرد، در مسیر درست هدایت و سازمان‌دهی شود.

**حاجی‌زین‌العابدینی:** خانم رهادوست به سؤال ما درباره آینده اصطلاحنامه‌نویسی پاسخ دادند. جا دارد به نقدهایی که در کتاب ماه کلیات درباره اصطلاحنامه مورد نظر صورت گرفته، اشاره کنم. کتاب ماه کلیات از گذشته بر این مبنا بوده است که کتاب‌های منبع و مرجع را نقد کند. کار نقد اصطلاحنامه‌ها به من واگذار شد و چندین اصطلاحنامه، مانند اصطلاحنامه شیمی، فنی - مهندسی، جامعه‌شناسی، پزشکی و اخیراً اصطلاحنامه اصفیا را بررسی کردم. اما در اصل من کار معرفی این منابع را برعهده داشتم، زیرا اطلاعاتم در حدی نبود که بتوانم این اصطلاحنامه‌ها را نقد کنم و صرفاً از منظر کتابداری و نقد منابع مرجع و با توجه به تجربه‌ای که در درس سازمان‌دهی اطلاعات داشتم، این کار را برعهده گرفتم. اصطلاحنامه پزشکی فارسی در شماره دی و بهمن ۱۳۸۴ نقد شد.

من اجازه می‌خواهم سؤالات مطرح شده را از دکتر خسروی و خانم رهادوست بپرسم، من در مقاله‌ام اشاره کردم که ناشر این کتاب، کتابخانه ملی بوده است و نشر آثار مرجع کار پرزحمت و دشواری است و هیچ ناشری به‌راحتی در این کار سرمایه‌گذاری نمی‌کند، زیرا بازگشت سرمایه ندارد و فروش شخصی و خصوصی ندارد و اغلب سازمان‌ها آن را خریداری می‌کنند. در آن مقاله اظهار امیدواری کردم که کتابخانه ملی به چاپ چنین آثاری ادامه دهد و نگرانی متخصصان را از بابت عدم نشر منابع مرجع برطرف کند. در بخش دوم مقاله به این مسئله اشاره کرده بودم که اصطلاحنامه پزشکی فارسی باید به‌صورت الکترونیکی در دسترس قرار گیرد. زیرا این اصطلاحنامه، مانند اصطلاحنامه اصفیا در تدریس درس سازمان‌دهی اطلاعات کاربرد دارد و همه امروز الکترونیک شده‌اند. با صحبت‌هایی که شده بود، قرار بود نسخه الکترونیکی ویرایش اول روی دیسکت و BBS کتابخانه ملی قرار گیرد تا همه بتوانند از آن استفاده کنند و حالا صحبت آن است که وب‌سایت مستقلی برای این منبع ایجاد شود. البته بعد از آنکه اصل منبع منتشر شد، همه بتوانند از طریق آن به منبع دسترسی داشته باشند. ضمن آنکه مقدمه و شیوه استفاده از اصطلاحنامه در ویرایش اول و نه ویرایش دوم آمده است و اصطلاحنامه ویرایش اول هم در بازار موجود نیست و خیلی‌ها نتوانستند آن را بخرند، زیرا در شمارگان کمی منتشر شده بود. بنابراین یکی از راه‌ها این است که نسخه الکترونیکی آن به بازار بیاید که شامل مقدمه و روش استفاده باشد. نکته دیگر اینکه قیمت اصطلاحنامه بسیار زیاد است. مثلاً اصفیا ۳۳ هزار تومان و اصطلاحنامه پزشکی فارسی ۲۰ هزار تومان است و دانشجویان برای استفاده از این منبع باید به کتابخانه‌ها مراجعه کنند. بنابراین ایجاد نسخه الکترونیکی آن حقیقتاً ضروری است. از آقای دکتر خسروی خواهش می‌کنم در این باره توضیح دهند.

**دکتر خسروی:** یکی از مسائلی که به نظر من باید به آن توجه شود، این است که برخی از سازمان‌ها، استجاباً



دکتر خسروی:  
در رشته ما به جای  
اصطلاح هستی‌شناسی  
(آنتولوژی)، اصطلاح  
هستی‌نگاری (آنتوگرافی) را  
به کار بریم. زیرا آنچه ما در  
این رشته انجام می‌دهیم،  
هستی‌نگاری است و نه  
هستی‌شناسی

و از باب اینکه مد شده است، اصطلاحنامه منتشر می‌کنند و گویا اصطلاحنامه‌سازی شغلی شده است که حاصل آن را نه تولید کننده، بلکه دیگران باید استفاده کنند. اگر اصطلاحنامه‌سازی از سوی مؤسساتی صورت گیرد که خودشان مصرف‌کننده واقعی آن هستند، مسئله زنده ماندن اصطلاحنامه‌ها تا حدودی حل خواهد یافت. برخی از مؤسسات گویا فقط وظیفه دارند، اصطلاحنامه منتشر کنند و به روزآمد بودن و تداومش اصلاً نمی‌اندیشند.

آنچه درباره نهادینه کردن تزاروس‌سازی، از دست ما بر می‌آید، این بود که در چارت جدید سازمانی کتابخانه ملی، ذیل پژوهش فعالیت اصطلاحنامه‌سازی را قرار دهیم و برای آن پست و شرح وظایف تعریف کنیم تا در آینده بدون اتکا به فرد خاصی در قالب سازمان به کار ادامه دهد.

در پاسخ به نظر بعضی از همکاران گرامی لازم است متذکر شوم، تا آنجایی که من مطلع هستم، در هیچ جای دنیا، یک سازمان متولی کل اصطلاحنامه‌های آن کشور نیست. مثلاً یک سازمان متولی اصطلاحنامه‌ها مش است و دخالتی درباره اصطلاحنامه کشاورزی نمی‌کند. کتابخانه ملی نیز نمی‌تواند درباره کل اصطلاحنامه‌هایی که در کشور منتشر می‌شود، حرکتی داشته باشد. می‌تواند صرفاً جنبه سیاستگذاری کلی را داشته باشد.

ما درباره به‌روزرسانی اصطلاحنامه به این نتیجه رسیده‌ایم که اصطلاحنامه مانند فهرستگان باید در زمان واقعی منتشر شود. آن زمان گذشت که برای ویرایش بعدی باید سال‌ها صبر می‌کردیم. دو راهکار در نظر گرفته شده است: اول آنکه ویرایش دوم اصطلاحنامه سه زبانه‌ای که هنوز چند ماهی از نشر کاغذی آن نگذشته است، به صورت لوح فشرده ارزان قیمت در اختیار همگان قرار گیرد. براساس آماری که من دارم طی چند ماه اخیر بر اساس تصمیم‌گیری‌های ماهیانه تغییرات زیادی در آن اعمال شده است..

راهکار دوم این است که برنامه اصطلاحنامه همچون رسا در «اپک» کتابخانه ارائه شود تا همگان در زمان واقعی به آخرین تغییرات دسترسی داشته باشند. همان گونه که همکاران می‌دانند، اطلاعات ارائه شده بر روی «اپک» کتابخانه ملی به لحظه است و همان لحظه که فهرستتویس رکورد را ذخیره می‌کند، می‌توان آن را در وب دید. امیدواریم درباره اصطلاحنامه هم چنین شود تا کاربران بتوانند از ویرایش لحظه به لحظه اصطلاحنامه استفاده کنند.

لازم است توجه شما را به نکته مهمی جلب کنم. برنامه جامع کتابخانه ملی (رسا) به گونه‌ای تدوین شده است که تزاروس‌های زیادی را می‌توان در دسترس نمایه‌ساز قرار داد. یعنی نمایه‌ساز، همزمان از سرعنوان موضوعی، از اصطلاحنامه پزشکی فارسی، اصفا و هر اصطلاحنامه دیگری در جریان نمایه‌سازی خود می‌تواند بهره بگیرد. با این کار، بدون ایجاد مزاحمت در جست‌وجو و بازیابی اطلاعات از مجموع اصطلاحنامه‌های موجود در کشور می‌توان استفاده کرد.

حاجی‌زین‌العابدینی: بسیار ممنونم. امیدوارم هر چه زودتر نسخه وبی و الکترونیکی اصطلاحنامه پزشکی فارسی آماده شود و مورد استفاده قرار گیرد.



**زین العابدینی:**  
**وقتی ساختار رده‌ای یک**  
**اصطلاحنامه و ویرایش**  
**جدید اصطلاحنامه را بررسی**  
**می‌کنیم، در حقیقت وضع آن**  
**علم را در کشورمان می‌توانیم**  
**بسنجیم**

**حافظیان رضوی:** من تذکری درباره کتاب سال باید بدهم و آن اینکه، این اصطلاحنامه با اصطلاحنامه‌های دیگر مقایسه نشده است، بلکه این اصطلاحنامه به‌عنوان یک کتاب مرجع در حوزه کلیات، مانند کتاب‌های دیگر، به گروه داوری سپرده شده است. به همین دلیل نکاتی که عرض کردم نباید نافی بقیه اصطلاحنامه‌ها تصور شود.

**عمروانی:** خانم رهادوست از منظر آفریننده این اصطلاحنامه به آن نگرستاند و من از موضع کاربر و نگرانی‌اش به مسئله می‌نگرم. گفتیم ما برای واژه‌های زمین‌شناسی از ژئورف دقیقاً به این دلیل که تزاروس نداشتیم، استفاده کردیم. الان که تزاروس‌ها آمده‌اند، ما با آنها کار می‌کنیم. برای مثال وقتی از تزاروس علوم زمین مرکز اسناد مدارک علمی ایران استفاده کردیم، ابتدا احساس کردیم، بسیاری از واژگان را ندارد، ولی پس از بررسی متوجه شدیم که بسیاری از واژه‌ها جدید است و ما داریم با ژئورف برخط (آنلاین) مقایسه‌اش می‌کنیم که هر روز واژه‌های جدیدی به آن اضافه می‌شود. نمی‌دانم بگویم حق دارم یا نه. بله، من از موضع یک کاربر و نگرانی‌اش به مسئله می‌نگرم. اینکه حتماً باید مرجعی برای به‌روز نگه‌داشتن این اصطلاحنامه وجود داشته باشد تا مثلاً من نوعی، که با استفاده از سیستم انگلیسی - فارسی اصطلاحات را به واژگان فارسی برمی‌گردانم، بتوانم کارم را ادامه دهم و به‌روز باشم. یال به‌خصوص اینکه خیلی از پایان‌نامه‌های دانشگاهی به آخرین واژه‌ها در حوزه خودشان نوشته می‌شوند و ما همواره به واژه‌های جدیدی برخورد می‌کنیم که در اصطلاحنامه‌های فارسی ممکن است، نباشند.

پیشنهادهای دکتر خسروی نیز بسیار به‌جاست و من فکر می‌کنم نرم‌افزار «رسا» می‌تواند نمونه بسیار خوبی برای اصطلاحنامه‌های روی وب باشد. همان‌گونه که رسا به‌صورت آن‌لاین در وب نیز قابل دسترسی است، اصطلاحنامه پزشکی نیز می‌تواند در دسترس قرار گیرد و آنچه مورد نیاز است، اینکه همکاران اصطلاحنامه از این پس کار را روی وب ادامه دهند. اگرچه هزینه‌بر است، رسا می‌تواند آغازگر آن باشد.

**رهادوست:** این مسئله بخشی از کار است. کتابخانه ملی این شرایط را دارد که نمایه‌سازی و اصطلاح‌سازی‌اش در همانجا صورت گیرد. ولی وزارت بهداشت و درمان چنین اقداماتی را پشتیبانی نمی‌کند. نه از آن رو که امکانات بالقوه مالی‌اش را ندارد، بلکه به این دلیل که اصولاً ضرورت کار را درک نمی‌کنند. شرایط کشور ما با کشورهای دیگر که هر سازمان متولی اصطلاحنامه ویژه خود است، متفاوت است و ما نباید مقلد دیگران باشیم. منظورم این نبود که یک نهاد، متولی همه اصطلاحنامه‌ها در کشور باشد، بلکه با توجه به مسائل و مشکلات کشور ما، نیازمند سازمانی هستیم که سیاستگذار، هماهنگ‌کننده و ارتباط‌دهنده مؤلفان این کارها باشد و زمینه‌هایی ایجاد کند که افراد این حوزه به‌صورت مداوم در جریان بازخوردها و ارتباط سازمان‌های مرتبط و نظرات متخصصان قرار گیرند. کتابخانه ملی ما دنیای کتابداران است. در حالی که باید از دید غیر کتابداران نیز به مسئله توجه داشت.

**حاجی‌زین‌العابدینی:** من در نقد به چهار مسئله اشاره کردم که یکی مربوط به یکدستی بود. در بند چهارم صفحه دوم مقدمه اثر این مطلب ذکر شده است که «ضمن تلاش برای حفظ یکدستی و در کنار هم قراردادن اصطلاحات هم‌خانواده و مرتبط، در مواردی که مترادف‌های متفاوتی از یک واژه در دو یا چند تخصص متداول و مصطلح بوده است، نظر تخصصی متخصص بر اصل یکدستی ترجیح داده شده است. مثلاً در برخی جاها ماهیچه، و در جای دیگر «عضله» آمده است که این ناهماهنگی متأثر از نظر متخصصان بوده است». اشارات دیگری که هم درباره اصطلاحنامه پزشکی و هم درباره سایر اصطلاحنامه‌های فارسی وجود دارد، این است که در اغلب اصطلاحنامه‌های خارجی، بخش مهمی در ابتدا می‌آید که شامل اصطلاحات حذف شده، تغییر یافته و تازه اضافه شده است و این کمک زیادی به کتابداران می‌کند. کسانی که در کتابخانه‌ها نمایه‌سازی و بازیابی می‌کنند، باید فهرستی در اختیار داشته باشند که به‌سرعت اصطلاحی را که تغییر می‌کند، در صورت تمایل تغییر دهند. اگر نرم‌افزار و امکان آن را دارند، تغییر دهند و اگر نه، ارجاعات لازم یا تغییرات لازم را ایجاد کنند. وقتی ساختار رده‌ای یک اصطلاحنامه و ویرایش جدید اصطلاحنامه را بررسی می‌کنیم، در حقیقت وضع آن علم را در کشورمان می‌توانیم بسنجیم. زیرا مبنای اصطلاحنامه تألیفی (و نه ترجمه شده) پشتوانه انتشاراتی در جامعه پزشکی ایران است. ما با مرور ساختار رده‌ای می‌توانیم بفهمیم که اکنون کشور ما در چه وضعی قرار دارد و متوجه ناهمگونی در کار می‌شویم. مثلاً چند سال پیش اصطلاح سارس در جامعه پزشکی مرسوم شد. پس از دو هفته از رایج شدن این اصطلاح، ۲۰۰ تا ۳۰۰ مقاله نوشته شده بود و این مقالات هفته‌های بعد افزایش یافت.

## رهادوست:

### اصطلاحنامه برای ایجاد

یکدستی تهیه می‌شود ولی

پای فشردن بر این اصل به

هر قیمت و به قیمت فاصله

گرفتن از نیاز متخصص،

یک نوع نقض غرض در

کتابداری است

پزشکی از جمله حوزه‌هایی است که با جان آدم‌ها سروکار دارد و افراد برای سلامتی‌شان هر کاری می‌کنند، تولید مطلب آن بسیار زیاد است و در ایران نخستین بار اصطلاحنامه مستقل خودش را داشته است. اصطلاحنامه‌های تخصصی بدین شکل شروع می‌شوند و به دلیل انبوه بودن حجم تولید در رشته ادامه پیدا می‌کنند. اگر ما در کشورمان در حوزه‌های مختلف اصطلاحنامه داشته باشیم، می‌توانیم به‌نوعی جایگاه علمی کشورمان را در سطح جهانی مشخص کنیم و بدانیم در هر حوزه چقدر تغییر و تحول رخ داده، چه چیزهایی حذف شده و چه موضوع‌هایی اکنون باب روز نیست. اینها پشتوانه انتشاراتی کشور را نشان می‌دهند. هر اصطلاحی که وارد اصطلاحنامه می‌شود، نشان‌دهنده پشتوانه انتشاراتی آن است و اصطلاحنامه‌هایی که چنین نیستند، نقص آنها محسوب می‌شود.

نکته دیگر مقدمه منابع مرجع است. چرا در چند سال اخیر باب شده که سرعنوان موضوعی مقدمه نداشته باشد. قبلاً که اصطلاحنامه‌ها را در اختیار کاربران یا کتابداران قرار می‌دادیم، آنها با استفاده از مقدمه مشکلاتشان را برطرف می‌کردند، ولی در اصطلاحنامه‌های جدید این امکان وجود ندارد و هیچ ترفندی نیز برای آن اندیشیده نشده است. باید اشاره کنم که خانم مدیر امانی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد زیر نظر خانم رهادوست روی منبعی درباره سازمان‌دهی اطلاعات پزشکی کار می‌کنند و مراحل نهایی آن در حال انجام است که به‌زودی منتشر می‌شود و کاربران را در استفاده از اصطلاحنامه پزشکی کمک خواهد کرد.

رهادوست: من فکر می‌کنم که انتقاد شما از اصطلاحنامه از دید کتابداری و بدون توجه به دنیای پزشکی مطرح شد. مضاف بر اینکه پیام درست ابلاغ نشده است: اصطلاحنامه برای ایجاد یکدستی تهیه می‌شود ولی پای فشردن بر این اصل به هر قیمت و به قیمت فاصله گرفتن از نیاز متخصص، یک نوع نقض غرض در کتابداری است و اینکه ما عادت کرده‌ایم بر یکدستی تکیه کنیم. بدین معنا نیست که همه چیز را حتی اگر بی‌مفهوم باشد، بخواهیم یکدست نگه‌داریم. من فکر می‌کنم این اصل با سخنان تازه‌ای که در آنتولوژی مطرح شده، و همه چیز برای روشن کردن مفاهیم است، در تضاد است. ما قرار نیست مسائل را پیچیده‌تر کنیم یا غلط بنویسیم یا اصطلاحی به کار ببریم که مثلاً اگر یک پزشک از آن مطلع شود، دیگر از آن استفاده نکند و ما کتابداران دلخوش باشیم که اصطلاحی انتخاب کرده‌ایم که باعث شده کار یکدست باشد. یکدستی نباید به هر قیمتی صورت گیرد.

محسن حاجی‌زین‌العابدینی: آقای دکتر حزی اصطلاحنامه پزشکی فارسی، به‌عنوان یک منبع، در جامعه پزشکی چه نقشی دارد؟ پزشکان چگونه به این اصطلاحنامه می‌نگرند و تا چه حد از آن شناخت دارند؟ عباس حزی: دلیل سؤال تان برای من عجیب است. اگرچه فرزندان من پزشکانند، نظر آنها نظر همه نیست، اینجا سخنانی مطرح شد که جا دارد جلسات بیشتری در این باره برگزار شود. آیا می‌توان منکر یکدستی شد؟ برای من قدری عجیب است. اصلاً هویت یک اصطلاحنامه برای یکدستی است و اینکه همگان درباره یک مفهوم از یک نماد واحدی استفاده کنند و فرقی ندارد که سرعنوان یا اصطلاحنامه باشد. شاید منظور خانم رهادوست این بود که ما اصراری بر به کارگیری واژه‌های غیر قابل قبول اهل فن نداشته باشیم. یعنی یکدستی نیز باید برگرفته از اجماع اهل تخصص باشد و نه آن چیزی که ما (کتابداران) به‌عنوان سازمان‌دهنده به آنها تحمیل می‌کنیم، ولی این مسئله منکر پذیرفتن اصطلاح مرجح در کار نیست. اصل مرجح را پذیرفتن به مفهوم اعتقاد به یکدستی است.

نکته دیگر اینکه چه کسی متولی اصطلاحنامه است؟ من اصرار دارم که کتابخانه ملی متولی این امر باشد. زیرا وظیفه اصطلاحنامه سازمان‌دهی اطلاعات است. یکی از بندهای مصوب کتابخانه ملی «فراهم آوردن شرایط و ابزارهای سازمان‌دهی دانش مکتوب» است. اینکه در دوره‌هایی به این اصل بها داده نمی‌شود، مقوله جدایی است و اینکه وظیفه کدام بخش است، مقوله دیگری است. کتابخانه ملی باید علی‌الاصول روی این مسائل اشراف داشته باشد و وظیفه دارد تا در بخش اصطلاحنامه‌نویسی فعالیت کند. چه ایرادی دارد که بخشی زیر نظر معاونت کتابخانه ملی مسئول اصطلاحنامه‌ها باشد و دغدغه‌های موجود در این زمینه را برطرف کند. من درباره اصل وظیفه سخن می‌گویم و نه یک زمان، مکان و مدیریت خاص. زمانی کشاورزی برای خود، اصطلاحنامه کشاورزی درست کند، که اطلاعات برای آن ارزشمند باشد. ولی اگر نفس قضیه مورد تأمل قرار گیرد، بحث ابزار سازمان‌دهی آن در درجه بعدی قرار می‌گیرد. در رشته‌های دیگر نیز چنین است. به نظر من این ابزار (اصطلاحنامه)، کسانی را که دشواری دست‌یابی به اطلاعات دارند، تشجیع و ترغیب می‌کند تا به سمت

علم‌اندوزی پیش روند. امروزه بحث اصطلاحنامه Micro و Macro در نظام تکنولوژی جدید، معنای دیگری پیدا کرده است. شما می‌توانید اصطلاحنامه Macro داشته باشید، ولی برای ایجاد پیوندها بین سایر اصطلاحنامه‌های خرد، آن را به Micro تبدیل کنید.

درباره نقش اصطلاحنامه در جامعه پزشکی باید بگوییم که این سؤال را باید از کاربر واقعی پرسید، ولی اگر این سؤال را از مد نظر کسی که علاقه‌مند به اصطلاحنامه است، می‌پرسید باید بگوییم که من حرف‌هایم را در گذشته نیز زده‌ام و معتقدم که این اصطلاحنامه یکی از گام‌های اساسی در این راستاست.

در این مورد که اشتباه در اصطلاحنامه‌ها به دلیل ترجمه غلط یا اشتباه در تعریف روابط بوده است، باید بگوییم که اگرچه غلط‌هایی از فارسی نیز به این اصطلاحنامه راه یافته است، در اصطلاحنامه‌های فرنگی به‌وفور اغلاط ارتباطی مشاهده می‌کنید. یعنی نکات بسیار ظریفی که ممکن است همه آن را نشانند. اول آنکه اخص است یا اخص نیست، سنخیت اهم و اخص را در کجا می‌توان تشخیص داد؟ ارتباط‌های یک سویه به میزان زیادی دیده می‌شود. اینکه اصطلاحنامه‌های فارسی برتری ساختاری دارد، من آن را به ذهن تحلیل‌گر ایرانی‌ها نسبت می‌دهم. تفسیر شوونیستی از آن نکنید که چون من ایرانی هستم، از خودمان تعریف می‌کنم. شواهد کافی برای اثبات حرفم دارم. تمام اصطلاحاتی که ما با دقت و وسواس روی آنها کنکاش می‌کنیم، در آنجا به راحتی از آن می‌گذرند. ممکن است اشکالی هم پیش نیاید، ولی به هر حال دقت‌نظر در اصطلاحنامه‌های تألیفی ایران وجود دارد و اصلاً هم تعجب نکنید که روابط نادرست در اصطلاحنامه فرنگی وجود دارد.

**حسینی زاده:** من در ادامه سؤال شما از دکتر حزی درباره انعکاس اصطلاحنامه در جامعه پزشکی، باید عرض کنم که یکی از مشکلات ما در تهیه اصطلاحنامه، دسترسی نداشتن به پشتوانه کاربران بود و چون در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مدیریت و هماهنگی وجود نداشت، ما حتی نمی‌توانستیم از بازخورد جامعه پزشکی از اصطلاحنامه مطلع شویم. درباره مدیریت این نوع اقدامات در سطح ملی، پشتوانه کاربران نقش مهمی ایفا می‌کند و این بازخوردها فقط در اصطلاحنامه‌هایی که توانسته‌اند به صورت نهادینه در برخی سازمان‌ها اجرا شوند، میسر شده است. مستندات من در این باره، نتایج پایان‌نامه‌ام، «مسائل اصطلاحنامه‌نویسی»، است که در آن به جنبه‌های مختلف در مدیریت اصطلاحنامه‌ها پرداخته‌ام.

یکی از این جنبه‌ها، مبانی نظری کار است که همه‌شان مربوط به مبانی پیش از وب هستند. نکته دیگر اینکه وقتی با تهیه‌کنندگان اصطلاحنامه‌ها در ایران صحبت می‌کنیم، به عشق و علاقه شخصی آنان نسبت به موضوع پی‌می‌بریم. بحث مهم دیگر نرم‌افزار است. اگر مدیریتی در سطح ملی، متولی اصطلاحنامه‌سازی شود، اصطلاحنامه‌سازان با چنین مشکلات نرم‌افزاری مواجه نمی‌شوند.

**رها دوست:** درباره مطلب مربوط به یکدستی در مقدمه، باید بگوییم من یکدستی را نفی نکردم. شاید بهتر بود آن بند را با مثال می‌نوشتیم.

**دکتر خسروی:** درباره اشتباهات اصطلاحنامه‌های خارجی به خاطر دارم که در جلسات تدوین اصف، تزاروس یونسکو را بررسی می‌کردیم. آنقدر اشتباه زیاد بود که مایه مزاح جلسه شده بود. میزان بسامد اشتباه در این اصطلاحنامه‌ها بسیار بالاست و بعضاً یک خطای منطقی در ماشین، مولد اشتباه‌های کثیر می‌شود.

درباره نظارت کتابخانه ملی یا هر نهاد دیگری، باید بگوییم که مشکل همه ما این است که تا حدی نظارت‌ناپذیریم. اصطلاحنامه جامعه‌شناسی از مرکز مدارک علمی برای ارزش‌یابی نزد من فرستاده شد. یک صفحه درباره اغلاط آشکار روش شناختی آن نوشتم. ظاهراً برگه من فقط برای دریافت حق الزحمه لازم بود. زیرا کتاب با همان اغلاط چاپ شد. شما در بسیاری از اصطلاحنامه‌های وطنی، اصطلاحات را می‌بینید. ارتباط منقطع و تک‌واژه می‌بینید که همه خلاف استانداردها و اصول تدوین اصطلاحنامه‌هاست.

**عمرانی:** آنچه آقای زین‌العابدینی درباره واژه‌های کنار گذاشته و واژه‌های جدید گفتند، همه اینها در نرم‌افزار «رسا» عملی است و همه آنها می‌تواند حفظ شود، همه به صورت ارجاعی و با تاریخش موجود است. امکاناتی که اشاره شده همه در «رسا» موجود است.

**حاجی‌زین‌العابدینی:** من از آقای مطلبی و سایر دوستان که امکان برگزاری جلسه را در این مکان فراهم کردند، سپاسگزارم. همچنین از استادان ارجمند که قبول زحمت کردند و تشریف آوردند و از دیدگاه‌هایشان استفاده کردیم. پی‌نوشت:

## 1. Mesh